

خانواده ایرانے

تغییرات و تحولات

چهار دهه گذشته

جلد اول

نویسندگان

سیدرضا صالحی امیری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

زهرا خدائی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری

سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

۱۳۹۹

www.ketab.ir

سرشناسه: صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: خانواده ایرانی: تغییرات و تحولات چهار دهه گذشته/ نویسنده سیدرضا صالحی امیری، زهرا خدانی.

مشخصات نشر: تهران: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، ۱۳۹۹ -
مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ج. ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۰۳۸۷-۴، ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۰۳۸۹-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: جلد دوم این کتاب تحت عنوان "آسیب شناسی خانواده ایرانی" به چاپ خواهد رسید.

یادداشت: جلد دوم تألیف سیدرضا صالحی امیری.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: خانواده ها -- ایران -- جنبه های جامعه شناسی
Families -- Iran -- Sociological aspects

موضوع: خانواده ها -- ایران -- نمونه پژوهی
Families -- Iran -- Case studies

شناسه افزوده: خدانی، زهرا، ۱۳۶۱ -

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات

شناسه افزوده: Press Organization Jahade Daneshgahi

رده بندی کنگره: HQ۶۶۶/۴

رده بندی دیویی: ۳۰۶/۸۵۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۵۳۶۶

وضعیت رکورد: فیا



خانواده ایرانے تغییرات و تحولات چهار دهه گذشته جلد اول

نویسندگان

سیدرضا صالحی امیری، زهرا خدائی
ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

چاپ: اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۰-۳۸۷-۴

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

نشانی سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی: تهران - خیابان انقلاب اسلامی - خیابان فخر رازی

خیابان شهیدای ژاندارمری - پلاک ۷۲ - تلفن: ۶۶۹۵۲۹۳۸

فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان انقلاب - بین فلسطین و چهارراه ولیعصر - جنب مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران - پلاک ۱۰۷۸ -

تلفن: ۶۶۹۶۵۰۱۷

فروشگاه شماره ۲: تهران - خیابان انقلاب - رویروی درب اصلی دانشگاه تهران - خیابان فخر رازی

تقاطع خیابان شهیدای ژاندارمری - مجتمع تجاری منشور دانش پلاک ۵۰ - طبقه همکف - واحد ۶ - تلفن: ۶۶۴۸۷۶۲۵

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.isba.ir پست الکترونیکی: info@isba.ir فروشگاه اینترنتی: www.fdbook.ir

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف، نشر یا پخش یا عرضه نماید مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

پیش‌گفتار

خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، تاریخی به قدمت حیات انسان دارد. به لحاظ اهمیت و نقشی که این نهاد در سلامت و تداوم حیات جامعه دارد، همواره یکی از موضوعات مورد توجه متفکران اجتماعی و تاریخی بوده است. دیوید چیل (۲۰۰۸) در کتاب «خانواده‌ها در دنیای امروز» خانواده را دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی می‌داند که حوادث بزرگ و تاریخی جهان در آن انعکاس می‌یابد. در این بین، تشکیل خانواده برای اعضاء جوامع، بزنگاه مهم و گذرگاه بسیار تأثیرگذار و نقطه عطف مهمی در زندگی است. به تعبیر گیدنز (۱۳۸۶)، در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است.

خانواده هم‌چون سایر سازمان‌ها و نهادهای تشکیل‌دهنده جامعه، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های عمیقی شده است؛ وسعت و اهمیت این تغییرات تا آنجاست که امروزه بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران نگران آینده این نهاد بوده و از کاهش اهمیت و دگرپسویی یا حتی زوال آن به ویژه در جوامع پیشرفته سخن می‌رانند. به طور کلی، می‌توان گفت که تحول خانواده در دوران جدید، با صنعتی شدن اروپای غربی آغاز شد؛ براساس حقوق اجتماعی نوین که نتیجه انقلاب‌های فکری قرون جدید بود، شکل جدیدی از خانواده پدید آمد. تغییر خصوصیات شکل تولید و بهره‌برداری، تحرک نیروی کار، افزایش فعالیت‌های بخش صنایع و

خدمات، بالا رفتن سطح مصرف، استفاده از کالاها و خدمات مصرفی تازه اصلی‌ترین دلایل چنین تحولی در ساختار خانواده بودند. این دگرگونی‌ها موجب شد که مسئولیت‌های جمعی و عمومی، جانشین مسئولیت‌های خانوادگی شوند و فرد بیش از اتصال به خانواده، خود را متعلق به جامعه بداند و خانواده نقش حمایتی خود را از دست بدهد. این تقسیم جدید نقش‌ها، باعث تغییراتی در شخصیت افراد شد و شکل خانواده جدید را دگرگون کرد. در این بین، خانواده ایرانی هم اشکال مختلفی را به خود دیده و از دگرگونی‌های تاریخی به دور نمانده است. این دگرگونی با ابعاد مختلف آن در نیم قرن اخیر آرام و کند، اما مستمر و قاطع بوده است. از زمان‌های دور شکلی از خانواده در جامعه ایرانی وجود داشته که جامعه‌شناسان آن را به اصطلاح «خانواده گسترده» توصیف کرده‌اند؛ خانواده‌ای که بنیان آن بر شریعت اسلامی و سنت‌های ایرانی استوار بود و مذهب و سنت و شیوه تولید اقتصادی جوامع کشاورزی، مبانی آن را تشکیل می‌داد. این خانواده براساس «پدرماری» و «مدرمکانی» و «اولویت جنس مرد» استوار بود. روابط افراد بر سلسله مراتبی که زیر نظر پدر اداره می‌شد، شکل می‌گرفت. خانواده واحد تولید و مصرف بود و این امر نه تنها در روستاها، که در شهرها نیز که مراکز مهم صنایع دستی بودند، به چشم می‌خورد. خانواده ایرانی در طول چهار دهه اخیر، دگرگونی‌های نسبتاً چشم‌گیری از لحاظ ساخت، کارکرد و ارزش‌های فرهنگی تجربه کرده است. دلایل اصلی این تحولات در ایران عبارت بودند از آغاز نوسازی در بطن ساختارهای اجتماع از جمله تغییر ساخت اقتصادی، رواج شهرنشینی، اشاعه فرهنگی غرب، دخالت دولت در امر خانواده از طریق وضع قوانین در مورد ازدواج و طلاق، مهاجرت روستاییان به شهرها، پدید آمدن، امکان رشد طبقات متوسط شهری به سبب رشد آموزش عمومی و تخصصی برای تصدی مشاغل صنعتی و خدماتی و...

این تحولات موجب شد تا جامعه ایرانی ساختار قدیمی خود را از دست بدهد و گروه‌های گوناگونی از لحاظ ساخت و کارکرد پیدا شوند و روابط میان این گروه‌ها نیز پیچیدگی‌های جدیدی را تجربه کرد؛ از نظر اشکال ازدواج نیز خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر شاهد برون‌رفت از چند همسری به تک‌همسری بوده است. از دلایل این تحول می‌توان به ضرورت تحرک جغرافیایی، اشتغال زنان به فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه و استقلال بیشتر مالی، دشواری معیشت و هزینه‌های زندگی و افزایش مطالبات زنان اشاره کرد. اعتقاد به سلسله مراتب، اعتبار

و قدرت رئیس خانواده، برتری جنس مرد در نقش پدر، برادر و همسر در جامعه شهری در حال تحول است؛ با این حال، در چند دهه گذشته شاهد شکل‌گیری تحولاتی در حوزه خانواده بوده‌ایم که نمی‌توان آن را در چارچوب هنجارهای پیشین تلقی کرد. افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق و افزایش روابط خارج از ازدواج از مهم‌ترین تغییراتی است که خصوصاً در دهه گذشته در ایران به وقوع پیوسته است و باروندهای جهانی در این حوزه مشابهت دارد، تا جایی که بسیاری از متفکران از همگرایی جهانی در مورد این تغییرات سخن می‌گویند و بر این باورند که کشورهای در حال توسعه نیز به تدریج در جهت تغییرات جوامع صنعتی حرکت خواهند کرد؛ گرچه، معنای این سخن آن نیست که جامعه ایرانی نیز ضرورتاً همان مسیری را طی خواهد نمود که کشورهای توسعه‌یافته پیموده‌اند. در واقع، جامعه ایران در فراز و فرودهایی که در تاریخ غرب وجود داشته، قرار نگرفته است و فقط به دلیل تقلید و الگوگرفتن از غرب بدون اینکه آن فرآیند تاریخی طی شود، دچار دگرگونی شده است. با این حال، در چند دهه گذشته شاهد شکل‌گیری تحولاتی در حوزه خانواده بوده‌ایم که نمی‌توان کم‌ترکی و عمق آن را نادیده گرفت.

شرایط نهاد خانواده در سایر کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی که تا حدودی موجب زوال و فروپاشی خانواده در آن جوامع شده است، نگرانی‌های بسیاری را برای متولیان، تصمیم‌گیرندگان و پژوهشگران علوم اجتماعی ایجاد کرده است. خانواده در غرب به سه دلیل ظهور نظام سرمایه‌داری نولیبرال، نگرش فمینیستی رادیکال و فردگرایی افراطی، دچار بحران شده و روبه فروپاشی است. باید توجه داشت که غرب با فروپاشی خانواده دچار فروپاشی اجتماعی نشد؛ چراکه مبانی ارزشی و هنجاری غرب براساس خانواده محوری نبوده و نیست؛ اما برخلاف غرب، در ایران صرفاً خانواده به‌عنوان یک نهاد جهت رفع نیازهای جنسی تعریف نمی‌شود، بلکه اعتقاد بر این است که خانواده حیات دارد و در حقیقت موجود زنده‌ای است که تولید معرفت، اخلاق، فضیلت، مهارت‌آموزی و دانش‌افزایی در بطن آن صورت می‌پذیرد.

در جوامع سنتی که تغییرات اجتماعی آهنگ‌کنندی داشت، بیشترین آسیب‌های اجتماعی از اعضا خانواده ناشی می‌شد؛ اما در جوامع صنعتی و نوین امروزی، که دگرگونی‌های اجتماعی بسی شتاب یافته و جوامع را در «حال گذار» پیوسته قرار داده، وضع به گونه دیگری است؛ بسیاری از تحولات و تغییرات اجتماعی، تأثیر عمیقی در نهاد خانواده بر جای می‌گذارد و از

این رهگذر، خانواده نیز در معرض آسیب قرار می‌گیرد. هرچند به نظر می‌رسد، نهاد خانواده در ایران از لحاظ سنتی و تأثیرگذاری، نهاد مستحکمی است، با این حال، از آنجا که هر نوع اختلال و آشفتگی در نهاد خانواده در ایران، تأثیرات شگرفی بر عملکرد سایر نهادهای اجتماعی خواهد داشت، دقت و رصد تحولات آن حائز اهمیت است.

کتاب خانواده ایرانی در سه مجلد نگاشته شده است؛ مجلد نخست: مبانی و مفاهیم، الگوها و مکاتب و تغییر و تحولات نظام خانواده؛ مجلد دوم: آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده ایرانی؛ و مجلد سوم: آینده‌پژوهی خانواده ایرانی، راهبردها و بهره‌گیری از نظرات نخبگان به منظور دستیابی به الگوی مطلوب خانواده مستحکم و پایدار را مورد بررسی قرار داده است. در جلد اول تلاش شده به این سوال اساسی و محوری پاسخ داده شود که ساختار نهاد خانواده ایرانی دچار چه تغییراتی شده و تحول نهاد خانواده تحت تأثیر چه عوامل، زمینه‌ها و شرایطی بوده است و چه آسیب‌هایی به ویژه در چهار دهه اخیر، خانواده ایرانی را تهدید می‌کند. درواقع در این اثر سعی شده است تغییر و تحولات خانواده‌های ایرانی طی چهار دهه اخیر مورد مطالعه قرار گیرد. انتخاب چهار دهه اخیر از آن جهت صورت گرفته است که در این دوران، جامعه ایرانی با فشردگی و حجم بالای تغییرات اجتماعی-اقتصادی روبه‌رو بوده و تحولات خانواده ایرانی در این دوران بسیار قابل تأمل است. افزایش سطح تحصیلات و آگاهی زنان و افزایش مشارکت آنها در بازار کار، افزایش خانواده‌های تک‌والدی، تغییر الگوی فرزندآوری، کاهش تعداد فرزندان و... از جمله تغییرات مهمی است که جامعه ایرانی خصوصاً در چهار دهه اخیر، آن را تجربه کرده است. بر این اساس، مجلد اول این کتاب با در نظر گرفتن اولویت خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه در سه فصل تدوین شده است. فصل اول به مفاهیم، الگوها و مکاتب خانواده اختصاص دارد. در این فصل مفهوم خانواده، انگیزه پیدایش و کارکردهای نهاد خانواده مورد بررسی قرار گرفته است؛ تحول نهاد خانواده، انواع خانواده در جامعه معاصر ایران و نقش و ارتباط نهاد خانواده و فرهنگ از دیگر موضوعات مطرح شده در این بخش است. در ادامه شکل‌گیری الگوهای نهاد خانواده و واقعیات و مسائل کنونی در جامعه ایرانی مطرح و در پایان این فصل، مکاتب و نظریات خانواده و سیرتاریخی نظریه‌های معاصر و نیز به نظریه‌های مدرن درباره تحولات خانواده از دهه ۹۰ میلادی تاکنون اشاره شده است.

در فصل دوم، تغییرات خانواده ایرانی در بستر تحولات مدرنیته مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بعد از گذار به دوران مدرن و تأثیرات آن در نهاد خانواده و رشد بطنی سبک‌های زندگی جدید، ضرورت بسط هنجارها و الگوهای اجتماعی مدرن، مورد توجه قرار گرفت. «ژرژ گورویچ» معتقد است خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساخته‌شدن»، «از ساخت افتادن» و «بازساختی شدن» برخوردار بوده است. پس از بررسی ضرورت و اهمیت مطالعات تغییرپژوهی در نهاد خانواده، به تاریخچه تحولات خانواده در جهان پرداخته شد؛ شکل‌های متفاوت خانواده نه تنها در زمان‌های مختلف، متعدد و گوناگون بوده است، بلکه این اشکال در درون فرهنگ‌ها نیز تمایز می‌یابد؛ به عبارتی دیگر، زمان و فرهنگ، دو عامل بنیادین در شکل‌دهی و صورت‌بندی خانواده محسوب می‌شوند. در ادامه تغییر و تحول انواع و اشکال خانواده و تغییرات مدرن در نهاد خانواده و تغییرات کارکردی نهاد خانواده در دوران معاصر بررسی شد. تحولات موجود در عرصه خانواده نشان می‌دهد که «نوع ساختاری»، «کاهش نقش حمایت‌گری شبکه خویشاوندی»، «فردگرایانه شدن ازدواج»، «گسترش روابط پیش از ازدواج»، «افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی»، «کاهش گفتمان خانواده‌گرایی»، «افزایش آسیب‌ها و اختلالات خانوادگی»، «افزایش مناسبات جنسی بیرون از خانواده»، «کاهش کارکردهای خانواده» و «کاهش اهمیت فرزندآوری ناخواسته» به عنوان روندهای رو به گسترش در زندگی خانواده مدرن ایجاد شده است. در این میان، تحولاتی که در زمینه ازدواج رخ داده است، سبب تصادفی شدن تشکیل خانواده و از بین رفتن الگوهای سنتی در انتخاب همسر و گفتمانی شدن تشکیل خانواده شده است. در تحولات حاصل از جریان نوگرایی و مدرنیزاسیون، یکی از عوامل اصلی کاهش اقتدار والدین و افزایش استقلال فرزندان در همسرگزینی بوده است؛ فرآیندی که در نهایت به کاهش ازدواج‌های ترتیب‌یافته از جمله ازدواج‌های خویشاوندی منتهی شده است؛ همچنین تحول در موقعیت زنان از نظر تحصیلات، از عوامل دیگری است که آنان را به پذیرفتن الگوی سنتی سوق داده است.

در ادامه نیز به تغییرات خانواده ایرانی در دوران معاصر با تأکید بر چهار دهه اخیر در ایران و تغییرات مدرنی که خانواده ایرانی در این گذار با آن روبرو شده مورد بررسی قرار گرفته است. عمده‌ترین عوامل دگرگونی نظام خانوادگی در ایران را می‌توان عوامل زیر دانست:

- تحرک طبقاتی و در نتیجه تحرک اجتماعی و همچنین تحرک شغلی ناشی از تحرک اجتماعی؛
- تحرک مکانی یا تحرک جغرافیایی؛
- صنعتی شدن؛
- شهری شدن روزافزون؛
- تحولات سریع اقتصادی؛
- دگرگونی ساخت اجتماعی و نظامات فرهنگی.

از این منظر، مهم‌ترین چالش نظام اسلامی، مدیریت تغییرات و تحولات خانواده ناشی از سرعت، حجم، گستردگی، عمق، شدت و ماهیت تغییرات است؛ چرا که تغییرات بر تدابیر (مدیریت) سیستم و نهادهای حاکم پیشی گرفته است. از دیدگاه نگارندگان، متغیرهای مؤثر بر تحول خانواده در ایران در دوران جدید به ویژه در چهار دهه اخیر، موارد زیر را شامل می‌شود:

- تأثیر رسانه‌های مدرن (این رسانه‌ها مجموعه‌ای از فرصت‌ها و آسیب‌ها را به طور همزمان به همراه دارند)؛
- افزایش سطح رفاه و درآمد عمومی (تنوع طلبی و لذت‌جویی)؛
- گسترش و تعمیق آزادی‌های فردی و فردگرایی؛
- تغییر نگرش در مورد اشتغال زنان در خارج از خانه و ازدیاد فرصت‌های شغلی بانوان؛
- افزایش سطح تحصیلات زنان و به تبع آن، افزایش انتظارات زنان؛
- افزایش نفوذ ارزش‌های غربی در سبک زندگی خانواده ایرانی (زیست چندجهانی)؛
- تشدید تعارضات کار - خانواده و تأثیر منفی آن بر مناسبات درون خانواده؛
- تغییرات حقوقی در نظام حقوق خانواده به نفع زنان در حوزه قوانین و مسائل ازدواج، حضانت، مهریه، طلاق و اشتغال و...؛
- افزایش سطح فعالیت گروه‌ها و جریانات فمینیستی و تأثیر آن بر رشد مطالبات زنان ایرانی.

در پایان این فصل به بررسی تغییرات مدرن در الگوی خانواده و تأثیر آن بر سرمایه خانواده و نیز علل و عوامل تغییر و تحولات خانواده در ایران پرداخته شد. خانواده در دوران حاضر، دستخوش

تغییرات وسیعی شده که نه تنها نسبت به قرن‌های گذشته، بلکه نسبت به دهه‌های گذشته تفاوت یافته و بر سطح سرمایه خانواده در جامعه ایرانی نیز تأثیر گذارده است. صنعتی شدن و شهری شدن دو فرآیندی هستند که تغییرات جدیدی را در زندگی فردی و اجتماعی به وجود آورده‌اند. برخی از این تغییرات، دارای آثار مثبت و برخی واجد تأثیر منفی بر سطح سرمایه خانواده بوده‌اند. عمده‌ترین این تغییرات عبارتند از: ۱- تغییرات در ساختار اشتغال؛ ۲- تغییرات جمعیت‌شناسی و سن جمعیت، (گسترش امید به زندگی و افزایش افراد مسن)؛ ۳- کوتاه شدن دوره باروری به دلیل تغییرات شغلی و فرهنگی؛ ۴- پایان خانواده‌های بزرگ و چندنسلی به دلیل شرایط زندگی در حوزه‌های شهری؛ ۵- کاهش پیوندهای درون‌نسلی؛ ۶- جدایی محل کار از محل زندگی؛ ۷- افزایش تحصیلات و اشتغال زنان به ویژه زنان متأهل؛ ۸- تغییر در روابط میان همسایگان؛ ۹- تضعیف فراوانی و صمیمیت روابط میان اعضاء خانواده، افزایش تعداد خانواده‌های هسته‌ای؛ ۱۰- کاهش همبستگی خانواده‌های چندنسلی؛ ۱۱- رشد جدایی فیزیکی میان افراد مسن و کودکان و کاهش تعداد وظایفی که توسط خانواده‌ها و خویشاوندان اجرا می‌شده است. به اعتقاد نگارندگان، مهم‌ترین تغییرات به وجود آمده در مناسبات خانواده ایرانی طی چهار دهه اخیر عبارتند از:

- تغییر روابط قدرت در خانواده (از نظام سلسله‌مراتبی به نظام افقی) و به تبع آن کاهش قدرت مرد در خانواده؛
- پذیرش نظام چندفرهنگی در خانواده ایرانی (زیست مشترک و مسالمت‌آمیز همزمان چند فرهنگ در یک خانواده)؛
- تغییر در روابط و نیازهای آموزشی، مهارت‌آموزی و معرفت‌جویی (از خانواده به جامعه، همسالان و نظام آموزشی)؛
- ظهور الگوهای نوین در رابطه فرزندان - والدین (الگوهای تربیتی متفاوت)؛
- افزایش سن ازدواج و کاهش انگیزه ازدواج؛
- تغییرات وسیع در سبک زندگی و شیوه‌های آن (سبک خوراک، پوشاک، مسکن، اوقات فراغت، مسافرت و...)
- تغییر در الگوی کارکردی خانواده‌ها و انتقال مسئولیت از خانواده به سایر نهادها؛

- تضعیف الگوی تقسیم کار سنتی در خانواده؛
- افزایش سطح سواد، آموزش و تحصیلات زنان؛
- کاهش میزان باروری؛
- گرایش به خانواده هسته‌ای (جدایی از والدین پس از ازدواج)؛
- تضعیف روابط خویشاوندی و احساس تنهایی خانواده؛
- تغییر نگاه جنسیتی و عدم رجحان فرزند پسر بر دختر.

از این رو امروزه، شاهد برهم‌کنشی ناسازگار بین برخی از اجزای مرتبط با خانواده سنتی با پاره‌ای از ارزش‌های برخاسته از مدرنیته هستیم که در چنین وضعیتی، نه می‌توان خانواده‌ها را به نظام هنجاری سنتی خانواده ترغیب کرد و نه می‌توان پذیرش نظام هنجاری مدرن را مطلوب دانست. همچنین، به دلیل عدم سنخیت برخی از تحولات خانواده ایرانی با تغییرات فعلی جامعه، این امر منشأی برای بروز آسیب‌ها و مسائل اجتماعی شده است. در مجلد دوم، به موضوع آسیب‌شناسی خانواده ایرانی پرداخته خواهد شد و به نوعی این مبحث، مکمل مباحث جلد اول خواهد بود. در مجلد سوم گفت‌وگو به مبحث آینده‌پژوهی خانواده ایرانی با تأکید بر مدیریت تحولات فرهنگی ایران در نهاد خانواده و بهره‌گیری از نظرات نخبگان دانشگاهی و اجرایی به منظور دستیابی به الگوی مطلوب خانواده مستحکم و پایدار ایرانی پرداخته می‌شود.

موضوع خانواده و به ویژه مطالعه «تغییر و تحولات شتابناک در خانواده ایرانی»، همواره به عنوان دغدغه جدی و دائمی برای اینجانب حداقل در طی دو دهه اخیر مطرح بوده است. در حوزه آکادمیک، راهنمایی و مشاوره بیش از ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری با موضوعاتی همچون «الگوی خانواده مستحکم»، «تحولات بنیادین فرهنگی بر بنیان خانواده‌های شهری»، «اشتغال زنان و تحکیم نهاد خانواده»، «سرمایه اجتماعی خانواده بر میزان دینداری»، «آسیب‌شناسی فضای مجازی بر عدم وفاق خانواده» و... را عهده‌دار بوده‌ام. در حوزه مدیریتی، در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و بعد از آن در مرکز تحقیقات تشخیص مصلحت نظام، به عنوان معاون پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، توجه به این حوزه، جزء اولویت‌های پژوهشی از سوی اینجانب قرار گرفت. تولید چند پژوهش‌نامه همچون «آسیب‌های نهاد خانواده در ایران»، «فرهنگ و خانواده و نیز چند اثر پژوهشی با موضوع خانواده هم‌زمان با برگزاری

نشست‌های تخصصی، در نهایت به برگزاری چند همایش ملی از جمله «همایش آینده‌پژوهی مسائل خانواده در ایران» و «همایش ملی راهبردهای تحکیم نهاد خانواده» منجر شد. در اندیشگاه کتابخانه ملی نیز یکی از محورهای مورد پیگیری از سوی اینجانب «مسائل زنان و خانواده» بود که در مجموع دوره سه ساله حضورم به عنوان ریاست کتابخانه و همزمان با عضویت در شورای فرهنگ عمومی، بیش از ۱۵۰۰ نشست تخصصی در اندیشگاه برگزار نمودم. پس از آن نیز در طول یک سال تصدی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان رئیس شورای فرهنگ عمومی، اولویت اصلی کار خود را بر موضوع خانواده قرار دادم و پژوهش‌هایی که در حوزه خانواده انجام داده بودم، برای سیاست‌گذاری به شورای فرهنگ عمومی مستمراً ارائه می‌نمودم و تقریباً به اکثر استان‌های کشور سفر نموده و موضوع خانواده را در شورای فرهنگ عمومی استان یا شورای اداری استان طرح بسط می‌کردم و در کنار آن، در موضوعات آسیب‌شناسی اجتماعی و فرهنگی همچون تغییرات سبک زندگی، تحولات فرهنگ جهانی و پیامدهای آن بر جامعه؛ بحث الگوی مصرف فرهنگی، آموزش و پرورش، فضای مجازی، هویت، اخلاق و... را مستمراً در محافل مدیریتی یا علمی در تهران و استان‌ها ارائه می‌نمودم که بسیاری از این مباحث در حوزه فرهنگی و اجتماعی با موضوع خانواده قرابت و پیوند نزدیکی داشتند.

همزمان با کتابخانه نیز در کمیسیون فرهنگی دولت عضویت داشتم و در دوره تصدی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان «ریاست کمیسیون فرهنگی دولت» و عضو عالی شورای انقلاب فرهنگی و نیز عضویت در شورای مجازی، دغدغه مسائل مربوط به خانواده را داشتم و نشست‌های مشترکی را نیز با صاحب‌نظران و نخبگان حوزه خانواده برگزار نمودم و در این جلسات، از دیدگاه صاحب‌نظران در تدوین سیاست‌های خانواده بهره‌مند می‌شدیم.

با توجه به سوابق مدیریتی و تجارب فراوانی که در طول این دوران به‌دست آوردم، تصمیم به نگارش کتاب «خانواده ایرانی» نمودم و بر این باور هستم که با وجود آسیب‌ها و معضلات غیرقابل انکاری که در رابطه با خانواده ایرانی وجود دارد، خانواده ایرانی هنوز هم دارای فرصت‌های بزرگ و مهمی است و در واقع اصلی‌ترین کانون تداوم حیات و بقای اجتماعی بوده و همچنان کانون امید، پویایی و تحرک است که به عنوان کانون اصلی و اساسی پیوندهای اخلاقی با قوت تمام ایفای نقش می‌کند.